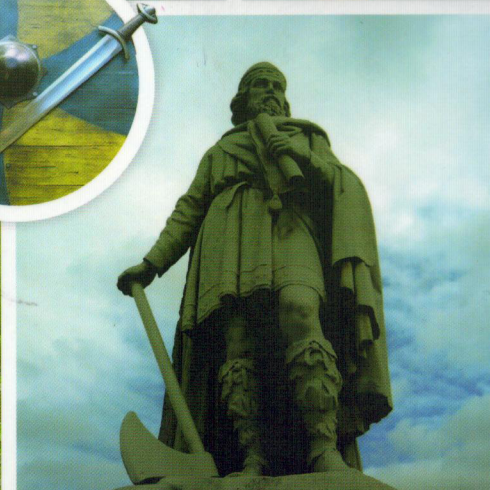
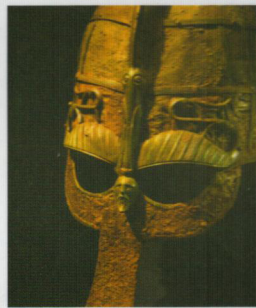
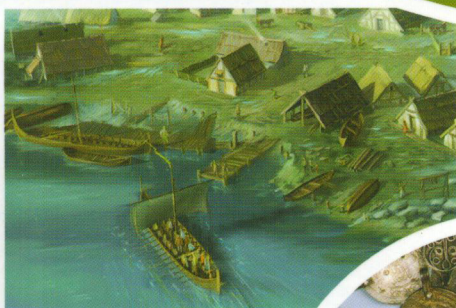
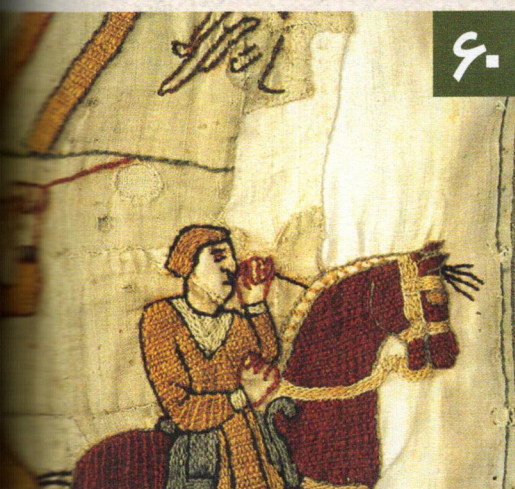




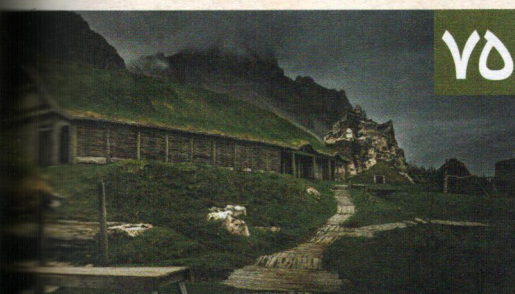




۲۴



۶۰



۷۵



زندگی روزمره

- ۷۴ زندگی وایکینگ
- ۷۸ باورها، آیین و سنن وایکینگها
- ۸۴ محل زندگی وایکینگها

پایان وایکینگها

- ۹۲ پایان عصر وایکینگها

سر آغاز وایکینگها

- ۸ مهاجمان وایکینگ
- ۱۰ سفرهای وایکینگها
- ۹ وایکینگهای تاجر

زادگاه وایکینگها

- ۱۶ ریشههای اقوام اسکاندیناوی
- ۲۰ در گذر زمان

کاشفان وایکینگ

- ۲۴ کاشفان جسور

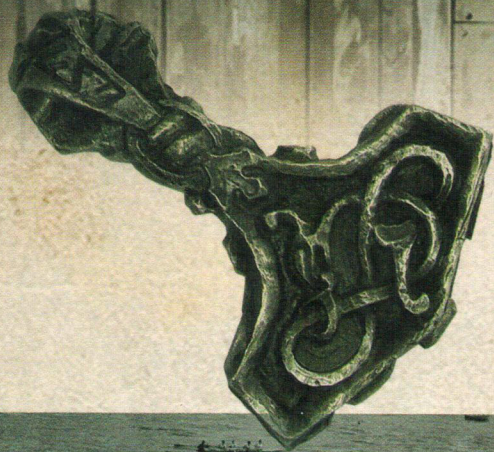
غارت و تجارت

- ۳۶ تاجران سنگدل
- ۳۸ اروپا بیدار می شود
- ۴۰ غارتگران دست به جیب
- ۴۶ مالیات دانمارکی
- ۴۸ وایکینگها در دریای خزر

استعمار وایکینگ

- ۶۰ مستعمرات برون مرزی
- ۶۸ دنیای وایکینگها

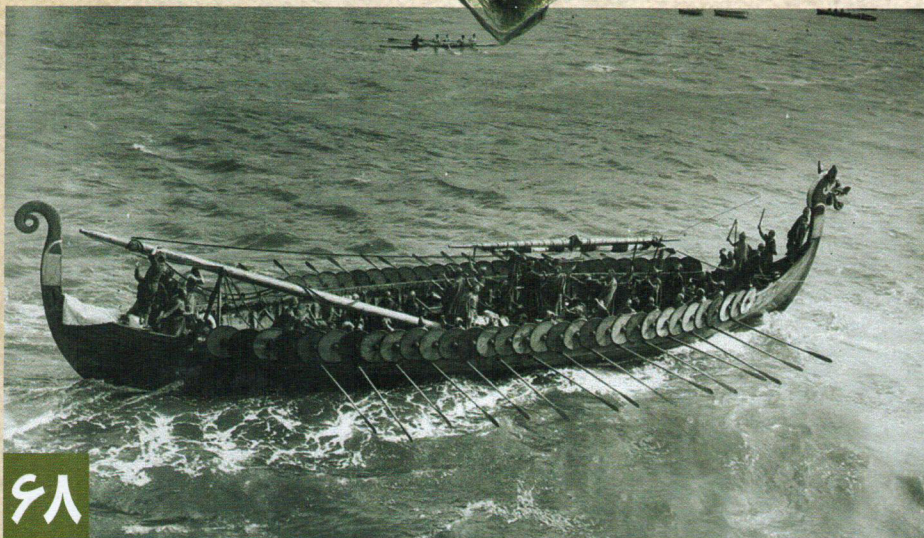




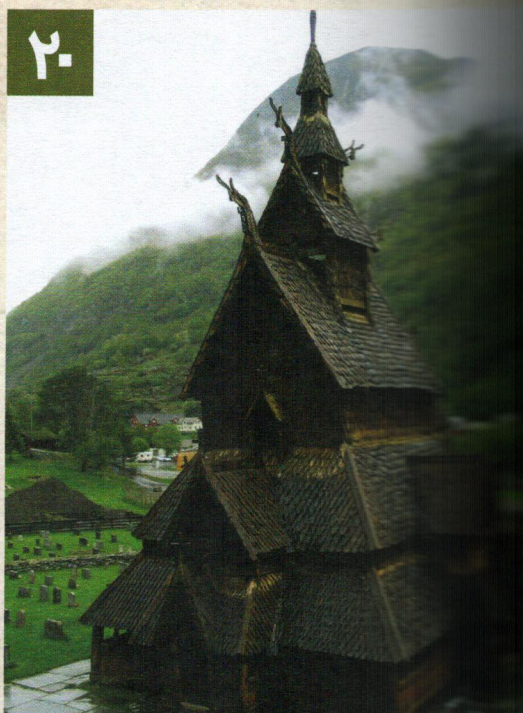
۳۴



۷۵



۶۸



۲۰



۴۶



۶



۳۸







وایکینگ‌ها، مردانی که با خون تجارت می کردند

## مهاجمان وایکینگ

وایکینگ‌ها همچون دزدان دریایی خون‌ریزی تصویر شده‌اند که روستاییان بی‌گناه را غارت می کردند. با این حال وایکینگ‌ها تجار تی سودآور بر آب‌ها داشتند. آنها در زمان خودشان به طور قطع مردانی بی‌رقیب در جنگیدن بودند، آنچه باعث می‌شد وایکینگ‌ها این گونه با تهور و شجاعت مبارزه کنند، احتمالاً انگیزه‌هایی فوق‌العاده بوده، انگیزه‌هایی که باعث ماجراجویی عجیب و غریب در آنها نیز شده بود. هنوز میان محققان درباره این انگیزه‌ها اختلاف وجود دارد. اما آنچه قطعاً می‌دانیم این است که در عصر وایکینگ‌ها کسی یارای برابری قدرت با آنها را در جنگاوری نداشته است.

بادبان عظیم و سفید کشتی، توسط باد خشن اقیانوس اطلس شکاف برداشت؛ اما کشتی همچنان به سفر دریایی خود ادامه می‌داد. کشتی جنگی دراز و براق ساخته شده از چوب مستحکم بلوط و پر شده از آب دریای طوفانی، موج‌های سهمگین را در هم می‌شکست. مردان روی عرشه، در صفوف منظم، با بازوهای قدرتمندشان تقلا می‌کردند تا کشتی را از لابه‌لای موج‌های سرکش به پیش برانند. نیروی بازوی این مردان، کشتی را به ساحل رساند. جنگجویانی مسلح به نیزه‌های تیز و تبرهای سنگین، بالباس‌های کوتاه پشمی، از کشتی به ساحل روان شدند. با صدایی بلند، یکی از این مردان شمشیرش را به آسمان برده، فریاد برآورد و بقیه در پاسخ به او نعره کشیدند. سپس همگی با وجود باد خشن به بالای تپه دویدند. مقصد آن‌ها یک صومعه‌ی ساحلی پر از طلا، الماس و غذاست که تنها تعدادی معدود از راهبان ساکت و بی‌خبر از آن دفاع می‌کنند. این تصویر متجاوزان بی‌رحم که به صومعه‌های بی‌دفاع یورش می‌برند و آن‌ها را غارت می‌کردند، اولین تصویری است که از کلمه‌ی وایکینگ به ذهن می‌رسد. تصویر مردان قبیله‌ی نورس به عنوان تجاوزگران و غارتگران، آن قدر پررنگ است که معمولاً فراموش می‌شود خود کلمه‌ی وایکینگ به معنای «رفتن به سفر» است. باور این فرضیه که وایکینگ‌ها چیزی جز دزدانی دریایی که از ضعف می‌دزدیده‌اند نبوده‌اند، ساده است و البته این





## وایکینگ‌ها چطور آماده حمله می‌شدند

۱

### آماده‌سازی

وایکینگ‌ها بدون شناخت قبلی حمله نمی‌کردند، بلکه حملاتشان با جزییات زیادی از قبل برنامه‌ریزی شده بود. ابتدا یک هدف ضعیف را در امتداد ساحل شناسایی می‌کردند.

۲

### جمع کردن اسب‌ها

کشتی‌ها به شکلی طراحی شده بودند که می‌توانستند حتی از سربالایی‌های رودخانه هم گذر کنند؛ اما اگر هدف حمله‌ها خیلی از آب دور بود، کشتی‌ها را ترک می‌کردند و با اسب‌هایشان به ادامه‌ی سفر می‌رفتند. اگر در کشتی از قبل اسبی همراهشان نبود، به روستاهای اطراف حمله می‌کردند و اسب‌های آنان را جمع‌آوری می‌کردند.

۳

### حملات ناگهانی

راهب‌ها هیچ شانس‌تی در رودررویی با وایکینگ‌ها نداشتند. آنها با یک حمله‌ی ناگهانی مردان مقدس صومعه را قتل‌عام می‌کردند.

۴

### سرقه و آتش زدن

وقتی که کار وایکینگ‌ها با راهبان تمام می‌شد، آن‌ها هر چه را می‌توانستند به یغما می‌بردند و غارت می‌کردند. وایکینگ‌ها علاوه بر کالاهای گران‌بها، چیزهایی مثل آبار غذا را هم غارت می‌کردند.

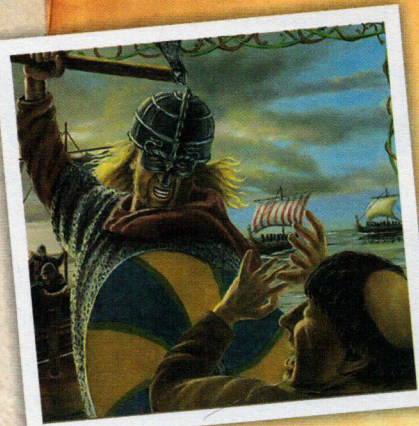
۵

### فرار

با بار سنگین زندانیان و غنایم، وایکینگ‌ها به‌سوی کشتی‌هایشان می‌گشتند تا با راهبان را سوار کشتی و ساحل را ترک کنند. آن‌ها طلاها، الماس‌ها و نشان‌های گران‌بها را می‌فروختند. راهب‌های زندانی هم در بازار بردگان با قیمت بالایی به فروش می‌رسیدند.

## حمله به لیندیسفارن

لیندیسفارن یک جزیره‌ی مقدس در شمال شرقی انگلستان بود که یکی از مراکز مسیحیت در قرون وسطی تلقی می‌شد. با این وجود، حمله‌ی وایکینگ‌ها به صومعه‌ی این جزیره موجی از ترس را برای تمامی مسیحیان دنیا در پی داشت. وایکینگ‌ها به صومعه‌ی آنجا یورش بردند و کلیسا را غارت و قتل‌عام کردند. این حمله اولین حمله‌های وایکینگ‌ها نبود، اما یک تهاجم غیرعادی بود، چرا که حمله به قلب مسیحیت در شمال اروپا به شمار می‌رفت. یک تاریخ‌نویس آن عصر نوشته: «هرگز چنین رنج و وحشتی از جماعت کفار بر بریتانیا پدیدار نشده بود. این کفار خون قدیسان را بر مخراب ریختند و جنازه‌هایشان را در معبد زیر لگدهایشان پایمال کردند». در سال ۷۹۳ میلادی یک گروه از دریانوردان وایکینگ که در نزدیکی شمال شرق انگلستان کشتیرانی می‌کردند، به یک صومعه‌ی مسیحی در لیندیسفارن (Lindisfarne) هجوم آوردند. برای وایکینگ‌ها، این ساختمان سرشار بود از گنج‌های گران‌بهای که نباید از دست می‌رفت و برای انگلیسی‌ها این حمله بسیار شوک‌آور و آغازگر بلای تهاجم‌های مکرر وایکینگ‌ها بود. این حملات پراکنده اما خشن در سراسر سواحل انگلستان ادامه پیدا کرد و در سال ۸۵۵ ارتشی بانام «هیثم بزرگ» به شرق آنجلیا رسید. ارتش با قدرت و شتاب راهش را با تصرف شهرها از میان کشور باز کرد. جنگجویان اسکندیناویایی،



همین‌طور به ایرلند و سراسر سرزمین‌های اصلی اروپا یورش بردند. این حمله‌ها حتی به دریای بالتیک و سرزمین پارس هم رسید. در توضیح دلیل اصلی این گسترش قلمرو، میان مورخان مشاجره‌ی داغی برقرار است. برخی معتقدند این حملات در پاسخ به رشد سریع مسیحیت بوده و برخی بر این باورند که این تهاجم‌ها نتیجه‌ی جمعیت‌اسکندیناوی‌ها بوده که نسبت به ظرفیت سرزمین‌هایشان رشد بی‌رویه‌ای داشت. شاید هم این یورش‌ها صرفاً از سر میل به ماجراجویی در مردان وایکینگ بوده. به هر حال، فارغ از علت‌ها، این تهاجم‌ها زخم ماندگاری بر جسم و روان قربانیان شان باقی گذاشتند.



اجناس با ارزش خود را ازیر عبا‌هایشان قايم کردند؛ اما درهای صومعه خیلی قبل‌تر فرورخته بودند و حالا متجاوزان اینجا کنار راهبان بی‌دفاع بودند. این متجاوزان مردان غول‌پیکری بودند، بزرگ‌تر از هر مردی که راهبان سرب‌زیر به‌عمرشان دیده بودند، با موهای پریشان و بلند و سلاح‌هایی قدرتمند در دستانشان. آن‌ها بدن راهبان را با ضربات مهلک می‌شکافتند. برخی برای جانشان التماس می‌کردند و برخی حتی فرصت التماس کردن هم پیدانمی‌کردند؛ زمانی برای مذاکره نبود. چطور می‌توان با این خشونت محض مذاکره کرد. در فضا تنها مرگ، خون، ضربات شمشیر و تبر موج می‌زد. تنها یک راهب موفق به فرار از قتل‌عام شد. او به سرعت از لایه‌لای مجسمه‌ها راه خودش را باز کرد و در میان چمن‌های بلند بیرون صومعه پنهان شد. از لایه‌لای چمن‌ها، جنازه‌ها را می‌دید که از درهای خانه‌اش به بیرون پرتاب می‌شدند. همین‌طور شاهد پرتاب کردن مردان زنده از بالای تپه‌ها به درون دریا بود. دیوارهای مقدس صومعه حالا از آتش شعله‌ور شده بود و یاد گرمش در تاریکی لغزان بر صورت راهب شلاق می‌زد. در دستان بی‌حسش یک جام طلایی بود. تنها موفق شده بود این جام طلایی را از دستان متجاوزان حفظ کند. تمامی کالاهای گران‌بهای دیگر گونی‌گونی در کشتی مهاجمان بار شد. کشتی به همان سرعتی که ظاهر شده بود، از ساحل دور شد و به درون سیاهی فرو رفت. ■

غیرقابل انکار است که چنین اتفاقی افتاده؛ متجاوزان وایکینگ‌ی اسکندیناوی به سواحل جزایر بریتانیا یا حتی دورتر سفر کردند. در این سفرها وایکینگ‌ها ساکنان را می‌کشند و اموالشان را غارت می‌کردند. گفته شده که در سرزمین‌های وایکینگ‌ها مردمان شهرها از اضطراب غارت شدن با شتاب اموال خود را از ترس متجاوزان بی‌رحم در خاک دفن می‌کردند. با این وجود، این تنها نیمی از داستان است. دو چیز باعث قدرت وایکینگ‌ها شد: یکی حمله‌های خصمانه‌شان بود و دیگری تجارت. وایکینگ‌ها نه تنها در مناطق فتح‌شده، مستعمرات تأسیس می‌کردند، بلکه مسیرهای قدرتمندی برای تجارت ایجاد کردند که به آن‌ها کمک کرد یکی از ثروتمندترین اقوام جهان بشوند. بیشتر اوقات سال، همان وایکینگ‌هایی که شهرها را غارت می‌کردند بر روی زمین‌های شکل خستگی ناپذیری زحمت می‌کشیدند. آن‌ها همین‌طور، زیورآلات پیچیده و بارزنی را برای تأمین سرمایه و شکوفا کردن تمدنشان می‌ساختند. وایکینگ‌ها در ظلمات شب به ساحل رسیدند. تاریکی شب آن قدر غلیظ بود که راهب‌ها کشتی را از دور ندیده بودند و حالا راهب‌هایی دانستند که برای کمک خواستن، خیلی دیر شده. یک راهب در راهروهای دود و بقیه را از خواب باریاد بیدار می‌کرد: «دیوها اینجا هستند! دراماندا! دراماندا!» برخی از راهب‌ها شروع به فریاد کشیدن برای کمک کردند و برخی دیگر دست‌به‌کار شدند و



وایکینگ ها به خاطر تخصص در ساختن کشتی، توانستند از هر تمدنی در زمان خودشان به مناطق دورتری سفر کنند

# سفر های وایکینگ ها

قرن ها پیش از این که کریستف کلمب، قاره ای را که امروز به نام «آمریکا» می شناسیم، کشف کند، اقیانوس اطلس همچون حیاط خلوت وایکینگ ها بود. آن ها با تسلط بر سیستم رودخانه های روسیه حتی به خاور میانه هم رسیدند. این سفر های حیرت انگیز به آنان کمک کرد تا رهبران جهان در حال رشد جدید باشند و این تمدن جدید وایکینگی تنها و تنها بر اساس یک سازه شکل گرفت: کشتی.

همین ریسک پذیری در یانوردان وایکینگی بود. در پایان قرن هشتم میلادی، در یانوردان وایکینگی تهاجمی به انگلستان را شروع کردند که برای همیشه سرنوشت آن جزیره را تغییر داد. در سال ۸۶۰ این روحیه تاجایی پیش رفت که باعث تهاجم به قسطنطنیه شد. تقریباً ۲۰ سال پس از آن در سال ۸۸۵، کشتی های وایکینگ ها به شهر بزرگ پاریس حمله کردند. تأثیر این جنگ های تاریخی هنوز در جهان امروز احساس می شود.

تمامی جامعه ی وایکینگ ها به واسطه کشتی ها رشد کرد. کشتی هایی که حالا بزرگ تر و با شتاب تر از گذشته هم بود. این کشتی ها به مرور زمان ساختشان بهتر می شد تا در برابر موج های خشمگین و خروشان اقیانوس اطلس و فراز و نشیب رودخانه ها مقاومت بیشتری کنند. همین کشتی های قدرتمند و خوش ساخت بودند که برای مسافران نشان مستعمرات بسیاری در سراسر جهان فراهم کردند. به همین خاطر ساخت و نگهداری از این کشتی ها، رکن اساسی جامعه وایکینگ ها بود.

وایکینگ ها با استفاده نیروی عظیم دریایی خود در سواحل اروپا تجارت می کردند، در حالی که همان زمان بریتانیا تنها مجموعه ای از پادشاهی های پراکنده بود که حتی توانایی دفاع از مرزهای خود را هم نداشتند. در یانوردان وایکینگی می دانستند که معمولاً سفر از راه دریا آسان تر از سفرهای زمینی است، چرا که برخی از سفرهای یک ماهه ی زمینی، در دریا پنج روزه به پایان می رسید. آن ها از این مسئله به نفع خود سود می بردند. وایکینگ ها به سرزمین های دورتر و عجیب تری سفر کردند که نتیجه اش انتشار تمدن وایکینگی به ایسلند، گرینلند و حتی به کانادا و آمریکای شمالی شد. تصویر کشتی های بلند وایکینگ ها با سازه های به شکل یک اژدهای خشمگین بر سر کشتی که از لایه های موج های خروشان گذر می کرد، بی شک تصویری الهام بخش برای نقاشان آن عصر بود؛ اما آنانی که سوار بر کشتی بودند، زندگی مسرور کننده ای نداشتند. بی هیچ سرپناهی در شب ها، در یانوردان از تور ماهیگیری به عنوان سرپناهی برای خواب استفاده می کردند. در یانوردان از سرما زیر پتوها یا درون کیسه خواب هایی از جنس پوست حیوانات می لرزیدند. تنها غذای آنان گوشت خشک شده یا نمکین بود که با آب یا شیر ترش می خوردند. معمولاً غرق شدن کشتی ها به عنوان یک تراژدی بزرگ دیده نمی شد، چرا که این واقعه در سفرهای بلند انتظار می رفت. هیچ نیروی کمکی برای کشتی های غرق شده فرستاده نمی شد، چون کسی از این کشتی ها تا هفته ها، ماه ها و شاید حتی سال ها خبری نداشت. گم شدن تعداد قابل توجهی از کشتی ها در اقیانوس بی رحم اطلس، امر غیرعادی نبود. وقتی که اریک قرمز به گرینلند سفر کرد، تنها ۱۴ کشتی از ۲۵ کشتی اش سالم به مقصد رسیدند. با این وجود چیزی که باعث کشف گنج های باارزش و تجارت در پهنای سواحل جهان شد،

## وایکینگ های

### شروع

با ترسناک ترین غارتگران اسکاندیناوی آشنا شوید

اریک قرمز: ۹۵۱-۱۰۰۳  
مشهور به خاطر تبعید شدن از ایسلند به جرم قتل. سفر او به گرینلند برای تصرف آن مشهور است.

گوتفرود: تاریخ تولد نامعلوم ۸۹۰-

مشهور به خاطر اعلام جنگ علیه پادشاه ساکسون های غربی، آلفرد کبیر

اینگوار، مسافر سزمین های دور  
تاریخ تولد و مرگ نامعلوم  
مشهور به خاطر غارت سواحل دریای خزر

رودولف هرالدسون  
تاریخ تولد: نامعلوم-۸۷۳  
مشهور به خاطر رهبری حملات بر بریتانیا، فرانسه و آلمان

## پاروهای سرعت

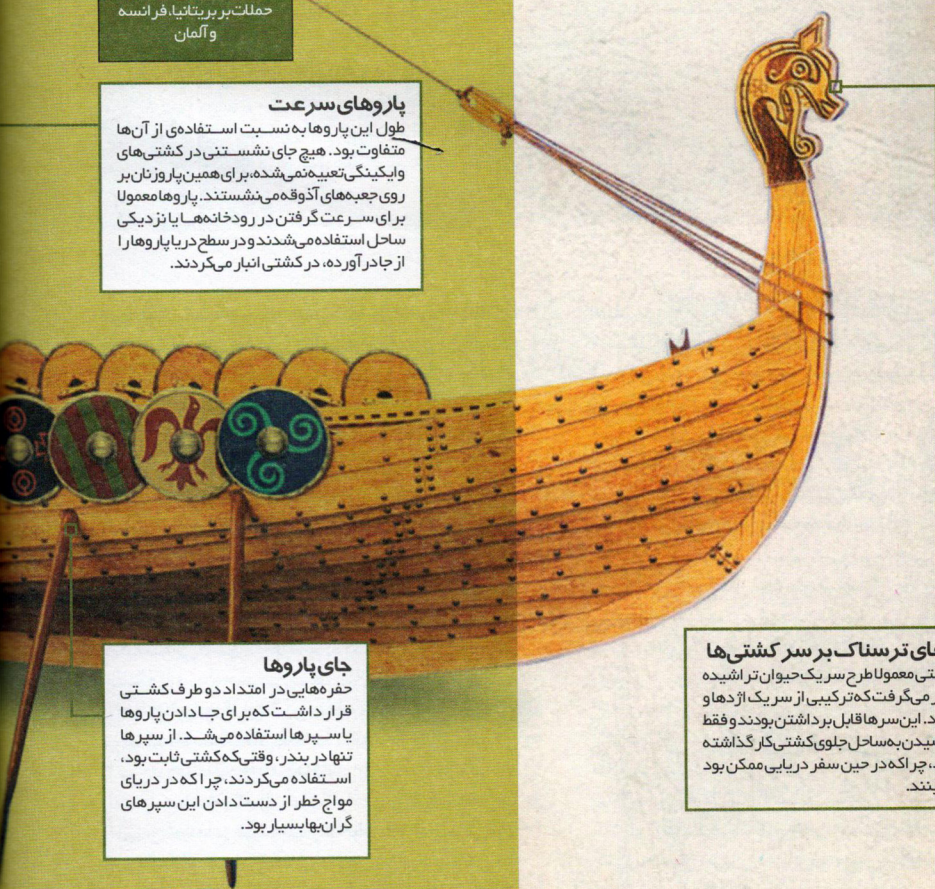
طول این پاروها به نسبت استفاده ی از آن ها متفاوت بود. هیچ جای نشستن در کشتی های وایکینگی تعبیه نمی شده، برای همین پاروزنان بر روی جعبه های آذوقه می نشستند. پاروها معمولاً برای سرعت گرفتن در رودخانه ها یا نزدیکی ساحل استفاده می شدند و در سطح دریای پاروها را از جادر آورده، در کشتی انبار می کردند.

## جای پاروها

حفره هایی در امتداد دو طرف کشتی قرار داشت که برای جادادن پاروها یا سپرها استفاده می شد. از سپرها تنها در بندر، وقتی که کشتی ثابت بود، استفاده می کردند، چرا که در دریای مواج خطر از دست دادن این سپرها گران بهایار بود.

## سازه های ترسناک بر سر کشتی ها

جلوی کشتی معمولاً طرح سر یک حیوان تراشیده شده قرار می گرفت که ترکیبی از سرب و اژدها و یک مار بود. این سرها قابل برداشتن بودند و فقط هنگام رسیدن به ساحل جلوی کشتی کار گذاشته می شدند، چرا که در حین سفر دریایی ممکن بود آسیب ببینند.





## جهت‌یابی

پیش از آن که بزرگ‌ترین کاشفان جهان متولد شوند، وایکینگ‌ها راهشان را بدون قطب‌نما یا ماهواره به بسیاری از



نقاط جهان پیدا کرده بودند. آن‌ها با استفاده از طبیعت و موقعیت ستاره‌ها، خورشید یا حتی رنگ دریا و حرکت موج‌ها مسیر خود را پیدا می‌کردند؛ مثلاً حرکت موج‌ها کمک می‌کرد بفهمند که چه قدر به ساحل نزدیک‌اند.

وقتی که سفر تمام می‌شد، دریانوردان قصه سفرشان را برای کسانی که آرزوی دریانوردی داشتند، بازگو می‌کردند. این داستان‌ها همچون خردی باستانی تا نسل‌ها بعد سینه‌به‌سینه منتقل می‌شدند.

تمامی ابزارهایی که وایکینگ‌ها استفاده می‌کردند وابسته به خورشید بود. برای مثال، ظهرها از یک تخته‌ی سایه‌خورشید استفاده می‌کردند تا مطمئن شوند که کشتی در مسیر درست قرار دارد. یک سنگ خورشیدی هم در روزهای مهی استفاده می‌شد که نسبت به موقعیت خورشید پشت ابرها تغییر رنگ می‌داد.

## بادبان ابریشمی

کشتی‌های بلندیک‌بادبان بزرگ‌ده‌متری داشتند. هیچ بادبانی برای بررسی از آن زمان باقی نمانده، اما این بادبان‌ها احتمالاً از ابریشم ساخته می‌شدند. برای حفظ ایستادگی بادبان وقتی که خیس می‌شد، از نوارهایی چرمی به شکل متقاطع استفاده می‌کردند.

## تنه‌ی چوبی

شیوه‌ی ساخت تمامی کشتی‌های وایکینگ شبیه هم بوده است. آن‌ها با استفاده از الوارهای بلوط یا کاج که بر روی هم قرار می‌گرفتند، کشتی‌ها را می‌ساختند. سپس رخنه‌های کشتی‌ها را با ابریشم‌قیر اندود و خز حیوانات می‌پوشاندند.

## تیرته‌کشتی

تیرته‌کشتی، اولین چیزی بود که برای کشتی ساخته می‌شد و به کشتی استقامت لازم را زیرآب می‌داد و به جهت‌یابی کمک می‌کرد. گاهی اوقات یک تیرته‌کشتی اضافی هم ساخته می‌شد که در نقش ضربه‌گیر به هنگام کشیدن کشتی در ساحل عمل می‌کرد.

## پاروی هدایت‌کننده

این پاروی مسطح که بانام «استیر پورد» شناخته‌شده بود، به انتهای سمت راست کشتی متصل بود. از آن برای هدایت کشتی استفاده می‌شد و به نسبت مدل‌های مدرن امروز، برای هدایت کردن به نیروی فیزیکی زیادی نیاز داشت.

## انبار کوچک

کشتی‌های بلند برای جنگ طراحی شده بودند و نیاز به سرعت زیادی داشته‌اند. به همین علت این کشتی‌ها ظرفیت کمی برای حمل آذوقه داشتند و بیشتر فضا به گالاهای بار و غنیمت‌های جنگی اختصاص داده می‌شد. کشتی‌های تجاری ظرفیت بیشتری برای بار و حتی فضا برای حیوانات زنده داشتند.





ارزش کالاها در تجارت وایکینگی‌ها

|                                                                                  |   |                                                                                   |                                                                                   |                                                                                   |                            |
|----------------------------------------------------------------------------------|---|-----------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------|----------------------------|
|  | = |  |  | • یک برده‌ی زن<br>برابر یک گاو<br>وحشی و یک گاو<br>ماده                           |                            |
|  | = |  |  | • یک زره فولادی<br>برابر دو اسب                                                   |                            |
|  | = |  |  |  | • یک اسب برابر سه گاو ماده |



شبکه تجاری  
وایکینگی

این شبکه‌ی تجاری بزرگ و درخشان، هنرمندان و صنعتگران با استعداد و مشتاق بسیاری را جذب خود کرد. مهربانان وایکینگی با استفاده از شیشمی وارد شده از اروپای غربی، مهره‌های آراسته‌ی زیبا و ساده‌ای را برای زینت اثر و تمندان می‌ساختند.